

درتشر

گپ **پروانه بهرام‌نژاد: روزنامه‌نگار**

نماینده مسیحیان ارمنی تهران در مجلس و ساکن شرق پایتخت هر سال عید کادو می‌خریم نه درخت کاج



«راشاور دیان» از قدیمی‌هاست که در شمال شرق تهران و ساکن محله مجیدیه و نماینده مسیحیان ارمنی تهران و شمال ایران و عضو کمیسیون عمران دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی است. او در محله نارمک قد کشیده و بزرگ‌شده خیابان پدربانی است. شش‌ورد دیان پیش از این، دو دوره عضو شوراهای محله مجیدیه بوده و از ارتباط کافی با اهالی دارد. او می‌گوید: «جامعه ارمنه بیشتر در مناطق ۳، ۴، ۵ و ۸ تهران سکونت دارند و قدیمی‌ها هم در مناطق ۱۱ و ۱۲ حضور داشتند که اکنون فقط تعدادی در محدوده منطقه ۱۱ و البته کمتر از سایر مناطق آنجا ساکن اند و در این میان، کسانی که متناسب با شرایط مالی شان، در مناطق شمال شهر و غرب تهران زندگی می‌کنند. اما زندگی برای ارمنه در تهران هیچ فرقی با سایر شهروندان تهرانی ندارد. فقط به تبع شرایط زندگی، امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی این گروه هم در این مناطق خاص متمرکزند، چون مدارس و کلیسا آنجا مستقرند. این گروه شرایطی دارند که غیرارمنی‌های ساکن در آنجا نیز از آن بهره‌مندند و شرایط و امکانات متمایزی ندارند و قرار هم نیست داشته باشند، چون همه ما ایرانی هستیم و تمایز ما فقط دین ماست.»

او با یادآوری دوران کودکی اش می‌افزاید: «کودکی من در محله پدربانی گذشت. الان هم گاهی به خیابان افشاری (پدربانی) می‌روم و به کوچکی که آنجا بودم، سر می‌زنم. خیلی تغییر کرده است. برخی از فروشگاه‌های لوازم تحریر که آن زمان از آنها خرید می‌کردم، تغییر کرده‌اند و صاحبان برخی دیگر در قید حیات نیستند. البته در برخورد با برخی از قدیمی‌ها که هنوز آنجا هستند، وقتی نشانی می‌دهم مرا می‌شناسند. دوران کودکی در کوچه بازی می‌کردیم و دوستان زیادی داشتیم. هنگام دوچرخه‌سواری هم گروهی بودیم، با وجود شرایط دوران دفاع مقدس و کمبود امکانات، بچه‌ها در کوچه وارد روابط اجتماعی می‌شدند و بعد خانواده‌ها ایشان با هم رفت‌وآمد می‌کردند و این منجر به توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی می‌شد. یاد هست در کوچه ما فقط یک خانواده ارمنی ساکن بود و بقیه مسلمان بودند؛ روابطمان با هم خیلی خوب بود. ما ایرانیان ارمنه و ایرانیان غیرارمنه اشتراکات فرهنگی بسیاری داریم و این حسن همجواری در همه شئون نمایان است.»

او درباره حال و هوای مجیدیه در روزهای آغاز سال نو میلادی هم می‌گوید: «در این ایام محله حال و هوای خاص خود را پیدا می‌کند و در شب عید شلوغ است و حتی در شب پیدا هم مردم مشغول خریدند. هر ایام رونق اقتصادی خوب خود را دارد و این محله هم در این ایام رونق منصف می‌گیرد و غیرارمنه هم از این شرایط برای کسب درآمد استفاده می‌کنند.»

شش‌ورد دیان درباره آداب و اقلام مورد نیاز برای مراسم سال نو میلادی در خانه‌های این همسایگان هم اینطور توضیح می‌دهد: «از قدیم درخت، مظهر صلح، حیات و همیشه مقدس بوده است. ما در قدیم از درخت کاج که همیشه سبز است، استفاده می‌کردیم. آن زمان در روستاها از انجیر، پرتقال و نارنگی برای طبیعت استفاده می‌کردند و درختان طبیعی بود و هر سال درخت طبیعی می‌گرفتیم و کوچک و بزرگی آن در هر خانواده متناسب با وضعیت اقتصادی، متفاوت بود. در خانه ما هم که پدرم بازنشسته آموزش و پرورش بود، متناسب با شرایط اقتصادی‌مان درخت سال نو را تهیه می‌کردیم، ولی کم‌کم و با جفاقتان بیشتر فرهنگ احترام به محیط زیست، استفاده از درخت‌های مصنوعی باب شد. یکبار این درخت را خریدیم و هر سال جعبه آن را باز می‌کنیم و بعد از این ایام جمعش می‌کنیم تا سال بعد دوباره عید بیاید و از آن استفاده کنیم. شیرینی‌های مختص سال نو و عید پاک مثل گاتا، نازوک که بیشتر مختص ارمنه است تهیه می‌کنیم.»

تاریخ **پریسا نوری: روزنامه‌نگار** **وقتی ارمنه ساکن تهران شدند**

تقریباً ۲۲۲ سال پیش بود که نخستین گروه‌های ارمنی در تهران ساکن شدند. البته این مهاجرت خیلی به خواست و میل باطنی شان نبود بلکه سببگیری‌های نادره آنها را وارد کرد تا از جلفا به تهران مهاجرت کنند. حالا بخش‌های قابل توجهی از محله‌های شرق تهران محل سکونت گروه خاصی از اقلیت‌های مذهبی است. «هویک میناسیان»، پژوهشگر، مورخ و نویسنده ساکن محله مجیدیه، درباره پیشینه زندگی ارمنه در ایران اینطور می‌گوید: «روود ارمنه به تهران نسبت به سایر شهرها قدمت زیادی ندارد و جمعیت کمی از آنها در دوره قاجار در محله‌های دولاب و عشرت‌آباد تهران ساکن شدند. اما هم‌اکنون شرق تهران، به‌ویژه محله مجیدیه، بیشترین جمعیت ارمنه را دارد. نخستین بار در زمان شاه عباس ارمنه وارد ایران شدند. دوره زندگی و سبب قاجاریه که تهران پایتخت شد، شاهان زند و قاجار برای رونق بخشیدن به شهر جمعیت ارمنه را به تهران آوردند، اما تعدادشان کم بود و یک جا متمرکز نبودند. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، در شوروی سابق قانونی وضع شد که اگر شهرها جمعیت‌شان به یک میلیون نفر برسد، می‌توانند یک جمهوری تشکیل دهند. آن زمان ارمنستان جمعیتش ۷۰۰ هزار نفر بود، برای همین به ارمنه ایران، لبنان، سوریه و... فراخوان داد که به آنجا بروند. عده‌ای از ارمنه که وضع زندگی‌شان مساعد نبود، برای زندگی بهتر از نقاط مختلف ایران به ارمنستان رفتند و وقتی جمعیت ارمنستان به یک میلیون نفر رسید - چون سال‌های پس از جنگ بود و فقیر بودند - گفتند دیگر نمی‌توانیم پذیرای مهاجران باشیم؛ از این رو عده زیادی از ارمنه پشت درهای ارمنستان ماندند؛ چون خانه و زندگی‌شان را در شهرهایشان فروخته بودند و آواره شده بودند. آنها به تهران آمدند. آن زمان مستوفی قاجاریه، وزیر دربار قاجار، که آدم خیر و نیکوکاری بود و زمین‌های فراوانی در نقاط مختلف تهران داشت، زمینی در عشرت‌آباد به رایگان برای زندگی ارمنه در اختیارشان گذاشت و پولی هم برای خرید زمین به شوروی افرید تا ارمنه‌ها آنجا بیایند. زمین به مساحت ۲۶ هزار مترمربع در محله مجیدیه که ماسه‌زار و لیم‌بزرگ بود خریدند و در اختیار ۴۰۰ خانواده ارمنی گذاشتند تا خانه بسازند. بعدها مدرسه، کلیسا و مرکز فرهنگی و... هم ساخته شد و کم‌کم ارمنه از نقاط مختلف تهران به این محله و محله‌ها پراکنده شدند و اینگونه جمعیت ارمنه در مجیدیه زیاد شد.»



میلاد حضرت مسیح مبارک، همسایه! ارمنه ساکن محله‌های تهران در آستانه زادروز حضرت عیسی‌ع برای کریسمس مهیامی شوند

پریسا نوری روزنامه‌نگار

شمارش معکوس برای آغاز سال نو میلادی شروع شده و ارمنه تهران خود را برای برگزاری مراسم کریسمس آماده می‌کنند. در این میان، محله‌های میرزای شیرازی و مجیدیه به این روزها حال‌وهوای دیگری دارند. ویرترین فروشگاه‌ها پر شده از عروسک‌های بایونتل با ریش‌های سفید و لباس قرمز زنگوله‌دار و درختان کاج هم که با انواع گوی‌های درخشان و ستاره‌های رنگی و عروسک‌های چشمک‌زن تزئین شده‌اند، همه جا دیده می‌شود. مغازه‌های گل‌فروشی و قنادی و سرشان شلوغ و بازار فروش قهوه و شیرینی‌های سال نو حساسی داغ است. در این شب‌ها و همزمان با ۱۴۰۱ میلاد حضرت مسیح (ع) که یک‌پایه مراسم مسیحی کریسمس در ۲۵ دسامبر است و در سال شرعی مسیحیان نقش اصلی را ایفا می‌کند، سری به خیابان‌هایی در محله مجیدیه جنوبی و میرزای شیرازی زدیم که خودشان را برای سال نو میلادی آماده می‌کنند.

موج گرانی هابه کالاهای کریسمس رسید

وارد خیابان‌هایی که می‌شویم، تک و توک فروشگاه‌هایی به چشم می‌خورد که ویرترین‌شان پر از وسایل تزئینی کریسمس است و هر قدر به طرف جنوب می‌رویم بر تعدادشان افزوده می‌شود. این خیابان به‌دلیل سکونت تعداد زیادی از ارمنه شمال شرق تهران و همجواری با محله‌های ارمنی نشین زرکش و نارمک، بورس عمده خرید اقلام کریسمس است. ویرترین هاغرق وسایل تزئینی خیره‌کننده است؛ از عروسک‌های فانتزی آدم‌برفی، بایونتل و سورتمه معروفش گرفته تا درختان کاج مصنوعی، همه کنار هم چیده شده‌اند. دختر بچه‌ها آرام و قرار ندارند و به پدر و مادرهایشان اصرار می‌کنند که یکی از بایونتل‌های قرمز پوشی را که پشت ویرترین نشان کرده‌اند، بپوشانند. برای نشان بخرند. «برای خرید لباس عید آمده‌ایم، ولی بچه‌ها دلشان عروسک بایونتل می‌خواهد». او ناگهان به برجس قیمت بایونتل‌های پشت ویرترین می‌اندازد و ادامه می‌دهد: «امسال قیمت‌ها خیلی بالا رفته، من و همسرم تصمیم گرفتیم از درخت کاج و وسایل تزئینی پارسل استفاده کنیم». وارد مغازه می‌شویم. فروشنده در حالی که کاج کوچک تزئین شده را داخل ویرترین می‌گذارد می‌گوید: «امسال به خاطر شرایط اقتصادی، دولت ورود کالاهای تزئینی کریسمس را ممنوع کرده است، برای همین ناچار شدیم از مناطق آزاد جنس تهیه کنیم که این موضوع موجب گرانی قیمت شده است». او که «مارکار» نام دارد و بیش از ۱۰ سال در این مغازه وسایل کریسمس می‌فروشد، ادامه می‌دهد: «امسال فروش‌مان نسبت به سال‌های گذشته نصف شده، دلپش هم علاوه بر گرانی، کرونا و التهاب‌های جهانی است. انگار مردم، امسال هم دل و دماغی عید را برگزاری جشن عید ندارند.»

باهر بودجه‌ای می‌توان عید را به خانه برد

یکی از نمادهای اصلی کریسمس که این روزها بیشتر مغازه‌ها و فروشگاه‌های لوازم تزئینی را پر کرده، درخت کاج معروف کریسمس است. «سرژیک»، یکی از فروشندگان قدیمی درخت کاج در این خیابان که انواع کاج در اندازه‌های مختلف را در مغازه‌اش دارد، می‌گوید: «کاج، نماد سرسبزی و برکت است و برای همین در کریسمس که همزمان با آغاز زمستان است، از این نماد استفاده می‌شود تا سرسبزی و برکت را به خانه‌ها ببرد». او ادامه می‌دهد: «البته در گذشته اغلب مردم کاج طبیعی خریداری می‌کردند، اما این چند سال است که به‌دلیل مسائل زیست‌محیطی، کاج‌های کریسمس مصنوعی شده‌اند». او درباره قیمت انواع کاج می‌گوید: «کاج ۲۰ سانتی‌متری تا ۲۰ میلیون تومان قیمت‌ها هم از ۱۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان متغیر است. البته بیشتر مردم کاج‌های کوچک و نیم‌متری را برای تزئین اتاق بچه‌ها می‌برند. با بودجه‌ای می‌توان خانه را رنگی و تزئین کرد. گوی‌های تزئینی از بسته‌های ۲۰ هزار تومان تا ۳۰ هزار تومان داریم. سایر وسایل هم قیمت‌های متفاوتی دارند. ما سعی می‌کنیم از همه اقلام در قیمت‌های متنوع داشته باشیم که کسی دست خالی از مغازه نرود». این فروشنده می‌گوید: «البته شادبودن، ربطی به خرید ندارد؛ چون مشتری داریم که می‌خرند ۱۰۰ هزار تومان خرید می‌کنند و خیلی هم خوشحال و شاد است، یکی هم با اج‌های در ۲ میلیون تومان وسایل تزئینی می‌خرد. می‌خواهم بگویم که حالا که شرایط اقتصادی سخت شده، حتی با ۱۰۰ هزار تومان هم می‌توان رنگ و بوی عید را به خانه برد و شاد بود.»

گانا: شیرینی بر طرفدار کریسمس

از کنار مغازه‌های رنگ و وارنگ با ویرترین چشمگیری می‌گذریم و به قسمت خوشمزه ماجرا می‌رسیم. از چند متر مانده به مغازه قنادی، عطر خوش شیرینی تازه و قهوه ما را به این مغازه می‌رساند. ویرترین و پختگاه مغازه پر است از انواع قهوه، شیرینی، شکلات‌های معزدار و یک، از «لوریک»، فروشنده جوان قنادی که در حال دم کردن قهوه است، درباره شیرینی مخصوص سال نو می‌پرسیم که می‌گوید: «شیرینی‌های سال نو متنوع هستند و به ذائقه مشتری بستگی دارد اما معروف‌ترین و برطرفدارترین‌شان یک نوع شیرینی است که گاتا نام دارد.»

فراتر از یک شیرینی

بازار کریسمس در خیابان میرزای شیرازی هم داغ است. حال‌وهوای این خیابان در مرکز تهران هم درست مشابه مجیدیه است که یکی از عواملی که این خیابان را به بازار فروش لوازم کریسمس در تهران تبدیل کرده سکونت ارمنه در این محله و وجود چند کلیسای قدیمی در اطراف آن است. زن و مرد جوانی همراه با دختری خردسالشان پشت ویرترین یکی از این مغازه‌ها ایستاده‌اند. «ژنی» و «ژنیک» مادر و دختر ارمنی هستند که هر سال با شیرینی‌های خانگی و دست‌ساز خود، بخشی از این بازار کریسمس را به نام خود می‌زنند؛ شیرینی‌هایی که شکل و شمایل‌شان مشابه نمادهای کریسمس است. هم شیرینی گوزن شاخدار دارند و هم شیرینی‌هایی به شکل بایونتل و عروسک زنجبیلی. ژنی می‌گوید: «سم شیرینی‌پزی در آستانه فرارسیدن سال نو میلادی از سال‌های دور در خانواده ما وجود داشته و نسل به نسل به دختران منتقل شده است.»



خیابان ویلا

خاص‌ترین عبادتگاه‌های پیروان حضرت عیسی‌ع

کلیسای «سرکیس مقدس» که بزرگ‌ترین کلیسای تهران و بزرگ‌ترین کلیسای حواری ارمنه محسوب می‌شود، یکی از این بناهای مذهبی است که بیش از نیش خیابان ویلا جاذب توجه است. این بنای دینی، شاهد اتفاقات تاریخی زیادی بوده و پس از گذر از این سال‌ها، تاریخ خیابان و داستان‌های اهالی را دل خود حفظ کرده است. بزرگ‌ترین کلیسای حواری ارمنه با هزینه برادران «ژاگن و گورگن سرکیسیان» به یاد والدین‌شان بنا سال ۱۳۴۹ به اتمام رسید. معماری آن هنر «اوان آفتانلیاس» است؛ همان کسی که تالار وحدت و برخی از بناهای کاخ‌های سعادت‌آباد، فرح‌آباد و نیاروان را طراحی کرده است. آفتانلیاس این بنا را مطابق پلان معماری کلیساهای کلاسیک جهان طراحی کرد و از معماری قرون وسطایی و عصر جدید ارمنستان بهره گرفت. گنبد مرتفع کلیسا یکی از ویژگی‌های معماری آن است که روی ساختمانی قرار گرفته که عرض چندانی ندارد. این کلیسا از سال ۱۳۴۹ به بعد مقر شورای خلیفه‌گری ارمنه تهران و شمال است. قبل از آن، مقر خلیفه‌گری در ساختمانی در محوطه کلیسای مریم‌مقدس قرار داشت.



محله ایرانشهر

زیباترین و قدیمی‌ترین مکان دینی آشوریان

یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای آشوریان پایتخت، کلیسای «سنت جوزف» معروف به کلیسای «حضرت یوسف» در محله ایرانشهر است. این کلیسا در دهه ۵۰ میلادی مقارن با سال ۱۳۲۹ شمسی در شهر تهران ساخته شد. آشوریان یا اسوری‌ها، کلدانی‌ها، آرامی‌ها و سریانی‌ها قوامی بودند که ریشه تمدن باستانی‌شان به بین‌النهرین می‌رسد. کلیسای حضرت یوسف، یکی از زیباترین و نخستین کلیساهای کاتولیک پایتخت است. الگوی معماری این کلیسا، الهام‌گرفته از تمدن باستانی آشور است. کلیسایی که در زمین نسبتاً بلندی ساخته شده است. کلیسای حضرت یوسف آونگور دارد که هر کدام از آنها در دیوارهای شمالی و جنوبی نصب شده‌اند. همچنین توراتین کلیسا از طریق پنجره‌هایی با شیشه‌های بزرگ و تزئینی تأمین می‌شود. گنبد آن نیز دارای آونگور ساده است. این کلیسا در خیابان انقلاب، خیابان موسوی، خیابان بهمنان و پلاک ۹۱ قرار دارد.



خیابان ستارخان

پنطی کاست در خیابان گذرنامه

کلیسای برادران آشوری یا «پنطی کاست» در سال ۱۹۵۵ میلادی (۱۳۳۴ خورشیدی) به دستور کشیش «توما ناصری» در خیابان ستارخان در تهران بنا شد؛ کلیسایی قدیمی که سال‌های زیادی است مسیحیان آشوری عبادت‌های مذهبی‌شان را در این کلیسا انجام می‌دهند. یکی از برنامه‌های مهم این کلیسا، تجلیل از خانواده‌های شهنشاهی آشوری است که هر ساله در روز عید پاک برگزار می‌شود. با توجه به اینکه ساخت کلیسای برادران آشوری خیابان گذرنامه محله ستارخان در روز پنطی کاست سال ۱۹۹۵ میلادی به پایان رسیده، نام آن را پنطی کاست گذاشتند.



کلیسای باطاق رومی

داشتن طاق‌های رومی یکی از ویژگی‌های این کلیسا است. زیربنای اصلی کلیسا ۱۷۰ مترمربع است. در انتهای زمین پشت نمازخانه، ساختمان دو طبقه سرباداری با زیربنای ۱۲۰ مترمربع قرار دارد. نقشه نمازخانه مستطیل شکل است و در ضلع جنوبی به یک فضای نیم‌دایره منتهی می‌شود. این فضا، محل خواندن عطیه و دعای کشیش است. ورودی کلیسا در ضلع شمالی قرار دارد که دارای طاق رومی است. این طاق بر دو ستون سنگی استوار است. اضلاع شرقی و غربی آن، یک در ۴ پنجره با قوس‌های هلالی دارد. در نمای خارج، سازهای به ارتفاع حدود نیم‌متر از سنگ تیشه‌ای کار شده است.

نام چهره معروف سینمای هالیوود بر این شهرک چه می‌کند؟ **ردپای کارگردان «پدر خوانده» در علی‌آباد!**

رضانیک نام خبرنگار

کسانی که به دنیا فیلم و سینمای ایران و جهان علاقه دارند، حتماً نام کارگردان تهیه‌کننده مشهور آمریکایی و خالق فیلم سینمایی «پدر خوانده» را شنیده‌اند. جالب اینکه نام این چهره معروف سینمای هالیوود سال‌هاست بر رودی یک شهرک مسکونی در جنوب تهران نقش بسته است. برای اینکه رمزگشایی کنیم و بدانیم چطور نام «فرانسویس فور کاپولا» تهیه‌کننده و کارگردان آمریکایی بر تابلوی ورودی شهرکی در محله علی‌آباد نقش بسته از ساکنان بومی و محلی شهرکی در محله علی‌آباد نقش بسته از ساکنان بومی و محلی شهرک مسکونی در جنوب تهران نقش بسته است. برای اینکه رمزگشایی کنیم و بدانیم چطور نام «فرانسویس فور کاپولا» تهیه‌کننده و کارگردان آمریکایی بر تابلوی ورودی شهرکی در محله علی‌آباد نقش بسته از ساکنان بومی و محلی شهرک مسکونی در جنوب تهران نقش بسته است. برای اینکه رمزگشایی کنیم و بدانیم چطور نام «فرانسویس فور کاپولا» تهیه‌کننده و کارگردان آمریکایی بر تابلوی ورودی شهرکی در محله علی‌آباد نقش بسته از ساکنان بومی و محلی شهرک مسکونی در جنوب تهران نقش بسته است.

خانه‌ساز علاقه‌مند به کارگردان فیلم پدر خوانده

یکی از ساکنان قدیمی شهرک کاپولا درباره تاریخچه نامگذاری این محل می‌گوید: «ماجرای ۵۰ سال قبل برمی‌گردد و به ثبت یک شرکت ساختمان‌سازی به نام «کاپولا» مربوط می‌شود. مدیرعامل این شرکت فردی به نام آقای جاری بود که علاوه بر ساخت‌وساز، به دنیای فیلم و هنر فیلمسازی نیز بسیار توجه داشت و به‌دلیل علاقه زیاد به کارهای فرانسویس فور کاپولا، تهیه‌کننده و کارگردان آمریکایی به‌ویژه فیلم سینمایی پدر خوانده، نام شرکتش را کاپولا گذاشت و بدین ترتیب هر وقت شهرکی می‌ساخت، این نام را بر سر در آن می‌گذاشت و مردم هم به این کار اعتراضی نداشتند.»

فرانسویس فور کاپولا، نویسنده و کارگردان بزرگ سینمای جهان، از چهره‌های شاخص و مطرح سینمای نوگرایی هالیوود در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ است. او عمده شهرت خود را زمانی به دست آورد که فیلم پدر خوانده را کارگردانی کرد.